

بررسی تحولات سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، کودتای رنگی

g/سرویس قفقاز

تجربه سال های اخیر به روشنی نشان داده است که حکومت های وابسته به آمریکا به هیچ روی نمی توانند نسبت به حمایت های این کشور در بزنگاه های مهم تاریخی اطمینان داشته باشند. از آوارگی و دربه دری شاه مخلوع ایران در سال های آخر عمرش گرفته تا تنها ماندن حکومت گرجستان در جریان جنگ اوت 2008 و سقوط امثال مبارک در برابر دیدگان حاکمان کاخ سفید؛ شواهدی هستند که ثابت می کنند هیچ یک از متحدان سنتی و خصوصاً شرقی ایالات متحده نمی توانند تا ابد از بابت تحت الحمایه آمریکا بودن آسودگی خیال داشته و خود را در حاشیه امنیت احساس کنند. بی تردید هنگامی که در يك سو شخصی چون عبدالله شاه اردن نگرانی های خویش را در همین خصوص نزد کسی مانند نتانیاهو بازگو کرده و در سوی دیگر متیو برایزا سفیر آمریکا در باکو در تظاهرات مخالفان رژیم علی اف حضور می یابد، باید دانست که این خطر جدی تر از آن است که ظاهر امر از آن حکایت دارد.

با در نظر گرفتن چنین فضایی، انتشار ادعاهای عجیب و بحث برانگیز حیدر جمال از کارشناسان مسائل سیاسی کشور روسیه در ماه گذشته مبنی بر طرح گرچی ها برای اجرای کودتا در جمهوری آذربایجان براساس نقشه ای آمریکایی، نشان می دهد که آمریکایی ها هنوز هم مترصد ایجاد تغییرات انقلاب گونه در جمهوری سابق شوروی هستند و علی رغم آنکه اتفاقات سال گذشته اوکراین (انتخاب یانوکویچ روس گرا به عنوان رئیس جمهور) و قرقیزستان (برکناری باقی اف از رهبران انقلاب گل لاله به دنبال شورش های گسترده و روی کار آمدن رزا اتون بایوا) نوعاً نتیجه ای بود دال بر نفوذ کماتان روس ها در این بخش از جهان، هنوز هم به ثمربخش بودن چنین طرح ها و تحرکاتی چشم امید دارند.

هرچند که طبق انتظار، موضع گیری مقامات رسمی دو کشور حاکی از رد صحت و سقم اظهارات حیدر جمال بود، اما مسائلی نظیر اعمال محدودیت دولت آذربایجان بر فعالیت سازمان های غیردولتی آمریکایی (NGOS) مستقر در این کشور؛ ظن قوی وابستگی حیدر جمال به سرویس های جاسوسی روسیه (خصوصاً باتوجه به نوع اطلاعاتی که وی ادعای در اختیار داشتن شان را می کند) و همچنین همراهی برخی از چهره های اپوزیسیون گرجستان با حیدر جمال و تصدیق اظهارات وی، ثابت می کرد که نباید به این راحتی ها خط بطلان بر ادعاهای جمال کشید و صرف روابط و مناسبات به ظاهر حسنه میان آمریکا و جمهوری آذربایجان و نیز جمهوری آذربایجان و گرجستان، این ادعاها را از اساس فاقد اعتبار دانست. ضمن اینکه علاوه بر آنچه گفته شد، اصولاً نباید فراموش کرد که درحال حاضر شیب وابستگی های خارجی دولت علی اف بیشتر رو به روسیه است تا غرب و آمریکا. از این نظر اگر آمریکایی ها در يك فضای ایده آل بتوانند رژیم بیشتر غرب گرا را به جای هیئت حاکمه کنونی جمهوری آذربایجان سرکار بیاورند، آنگاه می توانند امیدوار باشند که درباره مسائلی مانند حضور نظامی در دریای مازندران به این سادگی ها از حاکمان باکو پاسخ منفی نخواهند شنید.

در این میان شالوا ناتلاشویلی و سوسو شاتیراشویلی رئیس و دبیرکل حزب کار گرجستان که از احزاب اپوزیسیون دولت ساکاشویلی به شمار می رود، با تأیید کردن ادعاهای حیدر جمال و با اشاره به «منبعی اطلاعاتی و موثق» که مجاز به فاش کردن نام آن نیستند، ابعاد و جزئیات جدیدی را از مسئله کودتای آمریکایی-گرچی فاش کرده اند که در ذیل به اهم آن ها اشاره می شود:

¤t: سفارت ایالات متحده آمریکا در جمهوری آذربایجان، یکی از عوامل اصلی پیاده سازی طرح کودتا در این کشور به حساب می آید.
¤t: هم اکنون چند سال است که آمریکایی ها طرح انقلاب های رنگی در ارمنستان و جمهوری آذربایجان را در دست بررسی و اجرا دارند. البته این طرح در واقع در زمان بوش و تحت عنوان طرح دموکراتیزه کردن شرق ارائه شد.

¤t: متیو برایزا سفیر کنونی ایالات متحده در باکو، یکی از نومحافظه کاران آمریکایی است که اوپاما تحت فشار جمهوریخواهان پس از پیروزی شان در انتخابات کنگره، بدون رأی اعتماد سنا به سمت سفارت ایالات متحده در جمهوری آذربایجان منصوب کرد. (1) او ماجراجویی است که در طرح ریزی و پیاده سازی کودتا تخصص دارد. به عنوان مثال می توان از به قدرت رسیدن ساکاشویلی در گرجستان، یوشچنکو در اوکراین و باقی اف در قرقیزستان نام برد. در آن زمان برایزا در به قدرت رسیدن تمام این نام بردگان نقش عمده ای را ایفا کرد.
¤t: برایزا را می توان به طیفی از نومحافظه کاران آمریکایی منتسب کرد که مک کین و برخی دیگر که اصالتی لهستانی دارند از شاخص ترین چهره های آن به حساب می آیند.

¤t: برایزا برای پیاده کردن طرح کودتا در جمهوری آذربایجان از تیمی بهره می برد که همگی در انجام این کار تخصص دارند. این افراد عبارتند از: میخائیل ساکاشویلی رئیس جمهوری فعلی گرجستان؛ گیگا بوکه ریا دبیر شورای امنیت ملی گرجستان؛ مرایشویلی وزیر کشور و آده ئیشویلی وزیر دادگستری.

¤t: چندی پیش برایزا، ساکاشویلی و بوکه ریا جلسه ای را در تفریس برگزار کردند که هدف آن بررسی سناریوی سرنگونی دولت فعلی جمهوری آذربایجان بود.
¤t: پس از موفقیت [اولیه] طرح انقلاب های رنگی در گرجستان، قرقیزستان و اوکراین بود که در آمریکا پروژه ای تحت عنوان اختصاری ط.د.ا. (طرح دموکراسی انتقالی) تعریف شد. وزارت خارجه آمریکا که ریاست طرح اخیر را نیز عهده دار است، در سال 2005 خبر از فهرستی داده بود مشتمل بر اسامی کشورهایی که به زعم مقامات مربوطه در آمریکا دارای «بیشترین بی ثباتی و ریسک» هستند.

¤t: به گفته پاسکال مستول هماهنگی دایره «نوسازی و تثبیت»، سرویس های اطلاعاتی ایالات متحده، به روزرسانی فهرستی از 25 کشور که به عقیده مقامات واشنگتن ممکن است نیاز به اعمال دخالت از سوی آمریکا داشته باشند را هر شش ماه يك بار در دستور کار خود دارند.

¤t: مقامات آمریکایی برای تحقق اهداف خود در راستای مذکور، میلیارد دلار را به این پروژه اختصاص داده اند و در این میان، گروه مک کین، برایزا، فرید و بروس جکسون توانسته اند از بودجه این طرح، دست کم میلیون ها دلار به جیب بزنند. البته آنها هنوز نتوانسته اند طرح های خود را در ایروان و باکو پیاده کنند و دلیل موفقیت شان در گرجستان هم، انفعال شواردناره بود که به بهای مصون ماندن از انتقادات و حفظ درباری های شخصی، حاضر شد حکومت را به دست جوانانی ماجراجو بسپارد.

به هر روی همان طور که ملاحظه شد، آمریکایی ها برای انجام تغییرات انقلاب گونه در بسیاری از کشورها طرح های جدی دارند و بسته به امکانات و شرایط شان به دنبال راه اندازی انقلاب های رنگین، مخملین و یا کودتا هستند. استفاده از چهره های شاخص و شناخته شده ای چون برایزا- که مسابقات یکی از رؤسای گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا و مأمور به میانجیگری برای حل مناقشه قره باغ بود و حتی همسر ترکیه ای اش یعنی زینو باران که از کارشناسان این حوزه به شمار می رود- در پست سفارت، از دلایلی است که نشان می دهد آمریکا برای این منطقه برنامه های اساسی دارد. (2) با وجود این، این مسئله را نیز نباید از خاطر برد که همان طور که تجربه سال های اخیر نشان می دهد، آمریکایی ها علی رغم هزینه کرد بسیار، بارها دچار اشتباهات جدی محاسباتی شده اند. معکوس شدن روند انقلاب های رنگین قرقیزستان و اوکراین نمونه هایی هستند از این گونه خطاهای راهبردی. اشتباه فاحش آمریکایی ها در محاسبات شان درباره جمهوری

اسلامی ایران به خصوص در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال 1388 که در خطبه های نمازجمعه 29 خرداد آن سال مورد اشاره مقام معظم رهبری نیز قرار گرفت، شاهد دیگری است بر این مدعا. با این حال به نظر می رسد که درس نگرفتن مقامات آمریکا از اشتباهات خود در این زمینه، برای هر که آب نشده باشد، برای نومحافظه کارانی چون مک کین و رفقایش نان شده است و آنها توانسته اند از این نمد یک کلاه حسابی برای خود درست کنند.

منابع:

جنورجیاتایمز- آذربایجان نیوز- رمبلر- سلام نیوز

پی نوشت :

1- البته طبق قانون ایالات متحده این وضعیت حداکثر برای یک سال می تواند به همین منوال ادامه پیدا

کند و اوباما تا پیش از اتمام این فرصت نهایتا مجبور به گرفتن رأی اعتماد سنا برای متیو برایا خواهد بود.

2- در ارتباط با اهمیت و نقش کلیدی برایا برای آمریکایی ها همین بس که حتی احتمال می رود روس ها خواسته باشند تا به واسطه حیدر جمال و اظهارات وی فضایی را به وجود بیاورند که نتیجه

تبعی آن چیزی مانند برکناری برایا از پست سفارت ایالات متحده در جمهوری آذربایجان باشد. برای مثال الدار نمازاف از کارشناسان مسائل سیاسی جمهوری آذربایجان نیز در این باره تعبیر مشابهی

دارد و معتقد است که «روس ها می خواهند توسط این راهکار، خود را از شر متیو برایا خلاص کنند!»